



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان :

بررسی تطبیقی سکولاریسم و عرفی شدن در اندیشه سیاسی
آخوندزاده و طالبوف

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم برزگر

استاد مشاور:

دکتر شجاع احمدوند

دانشجو:

محمد آز

تابستان ۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

پدر و مادر دلسوزم که با ایثار و از خود گذشتگی
و همسر فداکار و مهربانم که با صبر و شکیبایی خود
هماره هموار کننده راهم بوده اند.

تقدیر و تشکر:

خداوند جل و جلاله را شاکرم که این پایان نامه بهانه ای شد تا فرصتی فراهم گردد از اساتید گرانقدر و زحمتکش خصوصاً دکتر ابراهیم برزگر که با راهنمایی های بی شائبه خود مرا در نگارش این پایان نامه یاری نمودند و دکتر شجاع احمدوند که زحمت مشاوره متن به عهده داشتند، تشکر و قدردانی کنم. جا دارد که از ریاست محترم کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی و پرسنل محترم کتابخانه که با تلاش و زحمت، فضایی آرام و محیطی مناسب برای مطالعه و پژوهش دانشجویان فراهم آورده اند، تشکر کنم.

البته باید اضافه کنم که نقاط مثبت و قوت این متن مرهون تلاش علمی اساتید زحمتکش و نقاط منفی و ضعف آن ناشی از ضعف و عدم توانایی علمی من دانشجوی می باشد.

فهرست مطالب

فصل اول

کلیات

| | |
|---|-------------------------|
| ۱ | طرح مسأله |
| ۲ | سئوال اصلی |
| ۲ | سئوالات فرعی |
| ۳ | فرضیه اصلی |
| ۳ | فرضیات فرعی |
| ۴ | سوابق مربوط |
| ۵ | اهداف تحقیق |
| ۵ | روش شناسی |
| ۶ | تعریف مفاهیم |
| ۶ | سکولاریزاسیون |
| ۷ | دین |
| ۸ | روشنفکری |
| ۹ | پروتستانتیسم |
| ۹ | مشکلات و تنگناهای تحقیق |
| ۹ | سازماندهی تحقیق |

فصل دوم

- ۱۱..... چارچوب مفهومی؛ سکولاریسم
- ۱۴..... سکولاریسم چیست
- ۱۷..... سکولاریسم و سیر تاریخی تحول آن در غرب
- ۱۷..... الف- از ظهور مسیحیت تا قرون وسطی
- ۲۱..... ب) از رنسانس تا انقلاب کبیر فرانسه
- ۲۳..... ماکیاول (۱۴۶۷-۱۵۲۷)
- ۲۳..... توماس هابز (۱۶۷۹-۱۵۸۸)
- ۲۴..... جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۱۴)
- ۲۵..... ج- از انقلاب کبیر فرانسه تا قرن بیستم
- ۲۶..... اگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷)
- ۲۷..... امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷)
- ۲۸..... کارل مارکس (۱۸۱۷-۱۸۸۳) و هگل و فویر باخ
- ۲۹..... ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰)
- ۳۶..... مبانی نظری سکولاریسم
- ۳۶..... ۱- لیبرالیسم
- ۳۷..... ۲- تکثر گرایی و پلورالیسم
- ۳۸..... ۳- علم گرایی (سیانتیسم)
- ۳۹..... ۴- عقل گرایی (راسیونالیسم)

| | | |
|----|-------|--------------------------------------|
| ۴۰ | | ۵- اومانيسم |
| ۴۱ | | ۶- تجدد و مدرنيسم |
| ۴۲ | | ۷- تجربه ديني |
| ۴۳ | | ۸- حقوق طبيعي و گذر از تکليف به حق |
| ۴۴ | | ۹- جدائي دين از سياست |
| ۴۶ | | اسلام و عرفي شدن |
| ۵۲ | | بيان ناسازگاري هاي اسلام و سکولاريسم |
| ۵۲ | | ليبراليسم |
| ۵۳ | | علم گرایی |
| ۵۵ | | عقل گرایی |
| ۵۸ | | اومانيسم |
| ۵۹ | | تجدد و مدرنيسم |
| ۶۱ | | تجربه ديني |
| ۶۲ | | حقوق طبيعي و گذر از تکليف به حق |
| ۶۴ | | دين و سياست |
| ۶۶ | | سطوح عرفي شدن |
| ۶۶ | | ۱- عرفي شدن فرد |
| ۶۷ | | ۲- عرفي شدن جامعه |
| ۶۸ | | ۳- عرفي شدن دين |
| ۶۸ | | ۴- عرفي شدن سياست |

- الگوهای عرفی شدن ۶۹
- ۱- الگوی مارکسی عرفی شدن ۶۹
- ۲- الگوی وبری عرفی شدن ۷۱
- ۳- تلفیق الگوهای وبری و مارکسی ۷۴

فصل سوم

- آخوندزاده؛ سکولاریسم حداکثری ۷۵
- زندگی نامه میرزا فتحعلی آخوندزاده ۷۵
- آثار و تالیفات آخوندزاده ۸۶
- تجددگرایی ۸۸
- عقل گرایی ۹۲
- الحاد و بی دینی ۹۶
- علم گرایی ۱۰۳
- آزادی خواهی: (اباحیگری) ۱۰۵
- جدایی دین از سیاست ۱۰۹
- جمع بندی ۱۱۲

فصل چهارم

- طالبوف؛ سکولاریسم حداقلی ۱۱۴
- زندگی نامه طالبوف ۱۱۴

| | |
|-----|--------------------|
| ۱۱۷ | آثار و تألیفات |
| ۱۱۸ | عقل گرایی |
| ۱۲۰ | علم گرایی |
| ۱۲۳ | تجدد گرایی |
| ۱۳۵ | خرافه زدایی |
| ۱۳۸ | دین و سیاست |
| ۱۴۲ | آزادیخواهی |
| ۱۴۴ | جمع‌بندی |
| ۱۴۶ | خلاصه و نتیجه گیری |
| ۱۶۴ | فهرست منابع و مآخذ |

فصل اول

کلیات

۱- طرح مسأله

بی شک انقلاب مشروطه نقطه عطف ظهور و حضور روشنفکران در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه ایران می باشد که این گروه در کنار دو گروه سنتی طبقه حاکم و روحانیون صاحب نظر و دارای قدرت رأی و تأثیرگذار بر روند اجتماعی و سیاسی آن حوزه می باشند. از آنجا که روشنفکران به عنوان گروه جدید در عرصه تعاملات سیاسی و اجتماعی تبلور یافتند بررسی چگونگی رویکرد آنها نسبت به مسائل دینی دارای اهمیت بسیاری می باشد بر همین اساس هدف این پژوهش هم بررسی مقایسه ای رویکرد دینی دو شخصیت مهم زمان مشروطه یعنی آخوندزاده و طالبوف می باشد. از آنجا که جامعه ایران از یک طرف جامعه ای بود متکی بر دین و سنت و از طرف دیگر روشنفکران متأثر از تحولات جدید دنیای غرب بودند به همین دلیل روشنفکران که در جهت اصلاح امور اجتماعی قلم و قدم می زدند، طبعاً نمی توانستند به سادگی از کنار مسائل دینی و دین بگذرند و همین برخورد و تعامل آنها با مسائل دینی منجر به رویکردهای متفاوت در عرصه روشنفکری جامعه ایران گردیده است.

بر همین اساس «آخوندزاده» و «طالبوف» هم نسبت به دین از منظر روشنفکری رویکردهایی داشته اند آن دو موافق خروج دین از سیاست و پیروی از علوم طبیعی بوده اند، دانش و فن غرب را برای رشد و ترقی لازم می دانستند البته هریک به شیوه خود نسبت به آن موضع می گرفتند. در رویارویی با فرهنگ غرب آخوندزاده شیفته تر و مطیع تر اما طالبوف معقول تر و واقع بین تر است. اندیشه های آخوندزاده در مقایسه با تفکرات طالبوف گرایش بیشتری به غرب داشتند. آخوندزاده در آرزوی رواج تمدن اروپایی در شرق بود و هنگامی که در «کتاب مقالات» می نوشت نتیجه ترقی سیویلیزاسیون می نامند؛ سیویلیزاسیون لفظ عمومی است که در ضمن آن جمیع صنایع و فنون و اقتدار دولتی و آسایش ملتی و امثال اینها، از انواع و اقسام مشروط مدنیت، مندرج و مفهوم است. کاملاً غرب را در نظر داشت. آخوندزاده کار در تقلید غرب تا آن جا کشاند که خواهان تغییر الفبای فارسی و عربی شد و اعلام کرد که «الفبای قدیم مخصوص علوم دینی اخرویه بشود و الفبای تازه مخصوص امور دنیوی». اما طالبوف محتاط تر بود. او نیز تمدن جدید را جهانشمول می دانست و خواهان اخذ دانش و فن اصول بنیادهای اجتماعی و سیاسی جدید بود اما معتقد به تسلیم مطلق در برابر تمدن غربی نبود. او به ویژه تأکید داشت که باید از تقلیدهای مضحک پرهیز کرد.

۲- سؤال اصلی

مفهوم «سکولاریسم» چه جایگاهی در اندیشه سیاسی آخوندزاده و طالبوف دارد؟

سؤالات فرعی

۱- مفهوم «سکولاریسم» چه جایگاهی در اندیشه آخوندزاده دارد؟

۲- مفهوم سکولاریسم چه جایگاهی در اندیشه طالبوف دارد؟

۳- نقاط افتراق و اشتراک مفهوم «سکولاریسم» از دید آخوندزاده و طالبوف در چیست؟

۳- فرضیه اصلی

باتوجه به اینکه روشنفکران عصر مشروطه به سکولاریسم و عرفی شدن گرایش داشتند اما شدت و حدت این گرایش در بین روشنفکران متغیر بود. آخوندزاده گرایش حداکثری به سکولاریسم داشت و از منتقدان سرسخت دین به شمار می رفت اما طالبوف با اینکه معتقد به جدایی دین از سیاست بود گرایش حداقلی به سکولاریسم داشت و ظاهراً از دین حمایت می کرد و دید ابزار گونه نسبت به دین داشت.

فرضیات فرعی

۱- آخوندزاده گرایش حداکثری به سکولاریسم داشت و وظیفه اصلی خود را مخالفت اصولی با نهادهای سنتی چون زبان عربی و تاکید بر اصولی چون خرافه زدایی، نقد و در کل پروتستانیسم اسلامی می دانست.

۲- طالبوف گرایش حداقلی به سکولاریسم داشت و علناً با دین اسلام سرستیز نداشت.

۳- با توجه به اینکه هر دو، به سکولاریسم و عرفی شدن گرایش داشته و دارای اشتراکاتی می باشند اما به معنای این نیست که این گرایش یکسان بوده، بلکه با هم افتراقاتی داشته و با این موضوع به طور یکسان برخورد نکرده اند به طوری که آخوندزاده به الحاد و بی دینی می رسد اما طالبوف در عین اینکه معتقد به عرفی شدن و تفکیک دین و سیاست بود اما این به الحاد و بی دینی او منجر نگردید.

۴- سوابق مربوط

بعد از مراجعات مکرر به مراکز کتابخانه ای و دانشگاهی و با توجه به اهداف و حدود مطالعاتی پژوهش حاضر معلوم گردید که اندیشمندانی که به بحث، پژوهش و تأمل در زمینه دین، اصلاح دین، غربزدگی، چگونگی ورود فلسفه جدید به ایران، دین و روشنفکران و ... پرداخته اند عبارتند از: کتاب «شمه ای از تاریخ غربزدگی ما» نوشته دکتر داوری که به بحث بنیادی پیرامون غربزدگی در فرهنگ معاصر پرداخته است. «کتاب جامعه و دین و جهان از خودبیگانه» نوشته عنایت که به تحولات سیاسی- فرهنگی اقوام مسلمان به طور مستقیم و غیرمستقیم توجه داشته است و به جهت پیوند ایران و اسلام در اندیشه تجدد و نوگرایی ایران تأمل کرده است. نوشته های فریدون آدمیت که اغلب از منظر ماتریالیسم شبه سوسیالیستی به جهان نگریسته و در اغلب آثارش به نحوی تهاجمی نسبت به فرهنگ سنتی بدون شناخت عمیق از آن، دست یازیده است. بارزترین نمونه این نوع تفکر را در کتاب اندیشه های «میرزا فتحعلی آخوندزاده» می توان دید.

«الگار» را می توان از معدود نویسندگانی دانست که با تشرف به اسلام با نوعی همدردی اسلامی به نگارش تاریخ سیاسی- اجتماعی ایران دوره معاصر اهتمام ورزیده است. رساله دکتری «دین و دولت در ایران» و کتاب میرزاملکم تحلیلی دقیق از مفهوم «رنسانس و رفرم اسلامی» را در اندیشه نخستین منورالفکران ایرانی علی الخصوص ملکم عرضه می دارند. نویسندگان متعدد دیگری در خصوص دین و اصلاح دین و اندیشه های روشنفکران مشروطه قلم زده اند از جمله دکتر مددپور که کتاب «سیرتفکر معاصر» به رشته تحریر درآورده است، «سرآغاز نواندیشی معاصر» نوشته مقصود فراستخواه و جزآن؛ اما با این همه در این تحقیق سعی شده که کاری جدید به نوبه خود تلفیقی، مقایسه ای انجام گیرد. مقصد اصلی این تحقیق تجزیه و تحلیل و بررسی اندیشه ها و آثار منورالفکران مشروطه از جمله آخوندزاده و طالبوف در مورد دین و اصلاح دین (رویکرد دینی آنها)، سکولاریسم در اندیشه دینی آنها می باشد.

۵- اهداف تحقیق

تحولات یک و نیم قرن اخیر در ایران که متأثر از دگرگونیهای سریع و پی در پی مغرب زمین می باشد هرچند پیش درآمدهایی مادی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و سیاسی داشته است ولی در یک تحلیل و بررسی ژرفانگر بر یک رشته تغییرات و تطورات بنیادی در ساحت اندیشه و انگاره ها و روحيات انسانی مبتنی است. روشنفکران ایرانی در پیدایش و پوییش دگراندیشی در ایران زمین نقش مهم و برجسته ای داشته اند. همین نوع نگرش جدید، به دنبال خود بسیاری از مسائل ریز و درشت دینی و اجتماعی را به میدان اندیشه آورده است که عبارتند از: رابطه دین با سیاست، رابطه دین با علم، رابطه دین با آزادی و دین و توسعه، دین و جامعه مدنی و جز آن.

اهداف و اهمیت خاص تحقیق یافتن پاسخ های روشن، عینی و معتبر برای پژوهش های تحقیق می باشد که گوشه ای از زوایای تاریک اندیشه روشنفکران عصر مشروطه به خصوص آخوندزاده و طالبوف را روشن می نمایند و اینکه در عرصه روشنفکری کدامیک (آخوندزاده یا طالبوف) بیشتر تحت تاثیر سکولاریسم بوده که طبیعتاً بر ماهیت رویکرد دینی آنها تأثیر می گذاشته است البته کسب این شناخت نه از راه مرور و بررسی تغییرات و تحولات اجتماعی، اقتصادی و دست نوشته ها و رخدادها بلکه از طریق پی گیری سیر اندیشه روشنفکران و چگونگی تغییر و تطور آن در مقابل آموزه ها و باورهای دینی و سیاسی است.

۶- روش شناسی

نوع روش تحقیق به صورت توصیفی، تحلیلی و مقایسه ای می باشد.

سکولاریزاسیون^۱ (دنیوی کردن): Secularization

فرایندی است که بر پایه آن یک سازمان دینی و مقدس به ساحتی غیر مقدس، طبیعی و این جهانی تبدیل می شود؛ یا شیوه ای که بر حسب آن جدایی دین از کار سیاسی تجویز می شود. اگرچه معانی سکولاریسم و سکولاریزاسیون ارتباط نزدیکی با هم دارند، اما یکی نیستند، تفاوت آنها در پاسخی است که به پرسش از نقش دین در جامعه می دهند. سکولاریسم مدعی قلمرویی برای معرفت ارزشها و کنش هاست که مستقل از مرجعیت دین باشد. اما ضرورتاً نقش دین را در امور سیاسی و اجتماعی نفی نمی کند. اما سکولاریزاسیون، فرآیند کنار گذاشتن دین از این حیطه هاست.

در خلال فرآیند سکولاریزاسیون، ممکن است این سیطره مستقیم باشد، یعنی اداره نهادهای اجتماع در دست مراجع دینی باشد - یا اینکه سیطره دین غیرمستقیم باشد، یعنی اصول دینی مبنای اداره امور باشند. سیطره دین به هر شکلی که باشد، چه این نهاد کاملاً از دست مراجع دین خارج شود و به رهبران سیاسی سپرده شود، و چه رقاباتی برایشان ایجاد شود، استقلال یافتن این نهادها، مصداق فرآیند سکولاریزاسیون است. این فرآیند به افراد امکان می دهد که از مراجع دینی استقلال حاصل کنند. یک پیامد عملی سکولاریزاسیون جدایی کلیسا و دولت است. جدا شدن نهاد دین و دولت در فرآیند سکولاریزاسیون بدین معناست که موسسات خاص سیاسی که به درجات مختلف تحت اداره دولت هستند از سیطره مستقیم یا غیرمستقیم دین رها می شوند. این بدین معناست که نهادهای دینی دیگر نمی توانند در مورد مسائل عمومی و سیاسی حرف بزنند.

مقاصد سکولاریسم همواره بی طرفانه نبوده است، هیچ گاه لازم نبوده که سکولاریسم ضد دین باشد، اما سکولاریسم اغلب حامی و مشوق فرآیند سکولاریزاسیون بوده است. کسی سکولاریست

۱- باقر، ساروخانی، دایره المعارف علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، کیهان، ۱۳۷۵، ج دوم، ص ۷۱۵

می شود که دست کم وجود یک قلمرو اضافه بر دین را لازم بدانند. اما محتمل تر آن است که چنین شخصی، دست کم در مسائل معین اجتماعی، معتقد به برتری قلمرو سکولار نیز باشد. بنابراین تفاوت میان سکولاریسم و سکولاریزاسیون این است که سکولاریسم بیشتر یک موضع فلسفی در مورد بایستگی وضع امور است اما سکولاریزاسیون تلاشی است برای اعمال این فلسفه، تلاشی که در صورت لزوم به زور هم متوسل می شود.

دین^۱ Religion

تعریف دین از نظر دورکیم فاقد هر گونه اشارتی به الوهیت است. او در باب دین چنین می گوید: «یک دین عبارت از نظامی به هم پیوسته، متشکل از باورها، اعمالی در رابطه با اشیاء مقدس، یعنی اشیاء خاص و متمایز که تماس با آنان ممنوع است. این باورها و اعمال، تمامی کسانی را که به آن می پیوندند در یک جماعت اخلاقی به نام واحد اجتماعی، پیوسته و متحد می سازد.» لاروس می گوید: «اشتغال فکر به امر فوق طبیعی و الهی یکی از جهانی ترین و باثبات ترین گرایش های انسان است. لیکن بنیاد دین در جریان تاریخ صور و اشکالی گوناگون یافته است.» دین که با نفوذ و تأثیر بی همتای خود در روحيات، باورها، رفتارها، کمال جویی ها و نهایت طلبی آدمی نقش بزرگی را در حیات فردی و اجتماعی بشر ایفا کرده است. آدمی قبل از این که به گونه ای فلسفی و یا تجربی و علمی زندگی را تبیین کند با همین اعتقادات دینی به ذهن پرسش گر خود پاسخ می داده است.

امروز نیز که در عصر فوق ارتباطات به سر می بریم، از یک طرف دین بسیاری از ساحت های زندگی ما را مستقیم یا غیرمستقیم تحت سیطره دارد و از طرف دیگر روشنفکران که منتقدان اجتماعی و موتور حرکت های فکری زمانه اند و خود به عنوان پدیده ای مدرن محسوب می شوند به صورت مستمر در صدد

۱- آلن، بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ دوم، تهران، کیهان، سال ۱۳۷۰، ص ۳۲۰

چالش با سنت های پیشین فرهنگی و اجتماعی برمی آیند. کمتر روشنفکری را می توان یافت که به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع بحث برانگیز دین و کارکردهای آن نپرداخته باشد.

جریان روشنفکری ایران از بدو تولدش در اثر آشنایی با دنیای غرب، با سنت ها و آموخته های دینی چالش داشته است. شاید روشنفکران عصر مشروطه یک مشکل فکری داشته اند و آن این بود که معارف دینی که آن زمان مطرح می شد پاسخ بسیاری از سئوالات نوین ایشان را نمی داده است. اگر ملاک سنجش و داوری در نزد علمای سنتی دین، علم قدیم بود اینک روشنفکران، عالم و آدم را به ترازوی علوم جدید می سنجیدند و دین را هم از این قاعده سنجش مستثنی نمی کردند. وجود همین بینش انتقادی باعث می شود که روشنفکر حرف و حدیث های نوینی از دین و دیانت مطرح کند و به تبع آن مواضع و رویکردهایی متفاوت و متنوعی را از جانب طیف های گوناگون فکری جامعه برانگیزد.

روشنفکری^۱

اصطلاحی برای طرز فکر و تمایل عقلانی، آزادمنشانه، اومانستی و علمی رایج در اروپا قرن هجدهم میلادی که جریان فکری عمده این قرن محسوب می شد. در اروپای قرن هجدهم میلادی به مسایل دینی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی از جنبه علمی و عقلی می نگریستند و بدین جهت درباره ی کارهای جهان و ترقی و کمال بشریت نظری غیر دینی پدید آمد. بت های روحانی، مطالب تعدی، عدم تساهل، جلوگیری از نشر عقاید و... از راه های گوناگون به شدت مورد حمله قرار می گرفت. نهضت روشنفکری در اروپا با اسامی چون روسو، منتسکیو، ولتر، بوفن، تورگو، هیوم و ... عجین بود و جریان روشنفکری در ایران (به ویژه پیشگامان روشنفکری) از جهان غرب اقتباس شده بود که از وضع موجود کشور و شرایط اجتماعی - سیاسی عصر خویش، و دیانت آن زمان، به شدت انتقاد می کرد.

۱- غلامحسین، مصاحب، دایره المعارف فارسی، تهران، انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵، ج اول، ص ۱۶۰

پروتستانتیسم^۱ : protestantism

از کلمه پروتست به معنای معترض گرفته شده است و شاخه ای از مسیحیت است که با اصلاح مذهبی بعد از قرون وسطی به رهبری لوتر، کالون و ناکس پدید آمد، و اصلاحاتی را در دین مسیح به وجود آوردند و بیشتر به معنای یک نوع اصلاح گری در بنیادهای دینی است. ولی آن چه روشنفکران عصر مشروطیت در ایران دنبال می کردند، مفهومی تحت عنوان «پروتستانتیسم اسلامی» بود، که با خرافه زدایی از ساحت دین، عقلانی کردن امور دینی، دنیوی شدن مقدسات، جدایی حوزه های دیانت از سیاست و گاهی حذف دین از عرصه های مختلف زندگی اجتماعی مشخص، ترویج و پیگیری می شد.

۸- مشکلات و تنگناهای تحقیق

یکی از مشکلات و تنگناها به معنای درست سکولاریسم بر می گردد. به رغم اهمیت سکولاریسم، بر سر معنای درست آن اتفاق نظر کافی وجود ندارد. مشکل دیگر در درک منابع فکری روشنفکران مربوطه یعنی آخوندزاده و طالبوف می باشد و به خصوص درک نظر آنها در مورد سکولاریسم و عرفی شدن. از دیگر مشکلات می توان به منابع و عدم دسترسی راحت و آسان به آنها اشاره کرد.

۹- سازماندهی تحقیق

این تحقیق در چهار فصل سازماندهی شده است. در فصل اول به کلیات موضوع پرداخته شده است در فصل دوم با عنوان «چارچوب مفهومی؛ سکولاریسم» به دیدگاههای نظری و مبانی تئوریک در زمینه سکولاریسم، ریشه های دینی و مبانی فکری سکولاریسم پرداخته شده، فصل سوم با عنوان «آخوندزاده و

۱- ساروخانی، دایره المعارف علوم اجتماعی، ص ۶۳۲

سکولاریسم حداکثری» به بررسی و تجزیه و تحلیل اندیشه های آخوندزاده در مورد سکولاریسم و معرفی شدن پرداخته شده، فصل چهارم با عنوان «طالبوف و سکولاریسم حداقلی» به بررسی و تجزیه و تحلیل اندیشه های طالبوف در مورد سکولاریسم پرداخته و در نهایت به نتیجه گیری و بررسی مقایسه ای و تطبیقی اندیشه های آخوندزاده و طالبوف در مورد سکولاریسم و به نوعی رویکرد آنها نسبت به دین پرداخته شده است.

فصل دوم

چارچوب مفهومی؛ سکولاریسم

واژه سکولار secular برگرفته از اصطلاح لاتینی seculum یا seculorum به معنای قرن و سده است و از آن تعبیر به زمان حاضر و اتفاقات این جهان در مقابل ابدیت و جهان دیگر شده است. بررسی ریشه های لغوی و تاریخی این مفهوم نشان می دهد که سکولار از جمله اصطلاحاتی است که درعین پیمودن مسیری طولانی و کاربردهای فراوان، از معنای اولیه خویش چندان فاصله نگرفته است. در تمامی استعمال های پیشین تا مفهوم خاص و امروزی، جوهر فحوائی آن که همان امور مرتبط و متعلق به این جهان باشد، حفظ شده است.^۱ واژه «سکولار» برای نخستین بار پس از جنگ سی ساله و به هنگام امضای پیمان صلح وستفاليا (۱۶۴۸م) و آغاز تکوین حکومت های نوین ملی به کار رفت. بسیاری از تاریخ نگاران، همین زمان را سرآغاز پیدایش پدیده سکولاریسم در غرب می دانند. در خصوص این واژه می توان چند نکته زیر را متذکر شد:

۱- علیرضا شجاعی زند، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، تهران، نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱، ص ۵۶